



صلی الله علیک یا بقیه الله

با توکل بر خدای متعال و مدد از امام عصر، و عرض

تسلیت، بحث امشب رو شروع می کنیم

موضوع کفرانس: اثبات شیء بودن سلاح

ارائه توسط: استاد جناب آقای صداقت

بسمه تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على فاطمة و ابیها و بعلمها و بنیها والسر المستودع فیها بعدد ما احاط به علمک

با عرض سلام و ادب خدمت همگی دوستان

ما در جلسه قبلی به صورت اجمالی در مورد سلاح مباحثی را مطرح کردیم و نشان دادیم که یکی از راههای

شناخت حجت الهی و از ودایع امامت که توسط رسول اکرم به وصایای بعد ایشان میرسد همین سلاح می

باشد که دارای یک سری ویژگیهای ظاهری و... می باشد

سلاح پیامبر چیزی هست که از حضرت رسول (ص) تا دیگر ائمه از امامی به
امام دیگر منتقل میشده و دست

هر کسی که بوده نشانه امامت آن شخص بوده است

بعنوان نمونه روایاتی که در آن ائمه به وجود سلاح به عنوان نشانه امامت
احتجاج می کردند که شاهد مثال

هم احتجاج امام سجاد علیه السلام در برابر عموی خود محمد حنفیه بود.

و همچنین وجود روایتی که سلاح مثل تابوت بنی اسرائیل است که در سر هر
خانه ای قرار داشت آن بیت،

بیت انبیا بود، سلاح هم نزد هر کسی بود، او امام بود

حال ضرورت اثبات شیء بودن سلاح به دلیل این است که بعضی از فرق
انحرافی، سلاح پیامبر را همان علم

دانسته لذا ادعای در دست داشتن سلاح پیامبر را می کنند بنابراین لازم است
بین شی بودن سلاح و علم

پیامبر تفکیک شده و ثابت شود که برای مدعی امامت داشتن هر دو مورد لازم است و این امر دلیلی بر کذاب

بودن افراد فاقد علم یا فاقد سلاح پیامبر باشد

در روایات وارد شده، که بعضا ویژگی های ظاهری سلاح را توصیف کرده اند و یا قرائن دیگری که در ادامه به

آنها اشاره می کنیم به طور صریح و غیر صریح بر شیء بودن سلاح اشاره دارد

از جمله: کتاب قرب الاسناد مرحوم حمیری که به دلیل هم عصر بودن مرحوم حمیری با ائمه از کتب بسیار

ارزشمند شیعه هست. در صفحه ۳۶۴ این کتاب روایتی با این مضمون آمده است:

اسحاق نامی خدمت امام رضا آمد و عرض کرد شمشیری که مامون (در این روایت لفظ طوسی اشاره به مامون

دارد) از شما گرفت همان شمشیر رسول الله بود؟ امام عرض کردند خیر.. من سلاح را نمیتوانم به مامون بدهم

چون این سلاح نشانه امامت است و این سلاح در بین ما مثل تابوت بنی اسرائیل می باشد

دوستان با دقت به متن این روایت به دو نکته میتوانیم برسیم

1 این روایت ثابت می کند که سلاح همان سیف هست و سیف هم همان طور که در لغت عرب آمده به معنای شمشیر می باشد.

2- و همچنین این سیف که همان سلاح رسول الله است به کسی غیر از حجت الهی داده نمیشود همانطور که تابوت بنی اسرائیل به کسی غیر از حجت الهی داده نمیشد

متن روایت: قَالَ: وَ سَمِعْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «أَتَانِي إِسْحَاقُ فَسَأَلَنِي عَنِ السَّيْفِ الَّذِي أَخَذَهُ الطَّوْسِيُّ، هُوَ سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؟ فَقُلْتُ لَهُ: لَا، إِنَّمَا السَّلَاحُ فِينَا بِمَنْزِلَةِ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، أَيْنَمَا دَارَ السَّلَاحُ كَانَ الْمَلِكُ فِيهِ.

یا روایتی طولانی در کتاب مناقب آقای ابن شهر آشوب جلد ۴ صفحه ۱۳۶
آمده راوی این روایت هم آقای
ابو خالد کابلی می باشد

ایشان نقل می کند: خدمت امام سجاد علیه السلام رفتم تا بپرسم آیا سلاح
رسول الله در اختیار امام سجاد
علیه السلام هست؟ همین که چشم امام سجاد به من افتاد فرمودند تمایل
داری اسلحه پیغمبر را به تو نشان
بدهم؟ عرض کردم بخدا قسم فقط برای همین سوال آمده بودم که شما از دل
من خبر دادی.... و در ادامه امام
سجاد دستور دادند جعبه بزرگ و کیسه ای را برای ایشان آوردند و امام
شمشیر را از داخل کیسه خارج کرد
و فرمود بخدا قسم این ذوالفقار است

اگر با دقت در متن روایت نگاه کنیم به این نکته میرسیم که حتی در بین
شیعیان عصر ائمه هم معنا و مفهوم
سلاح را شمشیری که از رسول الله به اوصیای بعد ایشان می رسید متداول بود
اگه غیر از این مساله بود باید

راوی این روایت یا امام سجاد علیه السلام اشاره ای ولو در حد کوتاه انجام میدادند

متن روایت: فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ قَالَ أَبُو خَالِدٍ الْكَابُلِيُّ أَتَيْتُ عَلَى بَنِ الْحُسَيْنِ ع عَلَى أَنْ أَسْأَلَهُ

هَلْ عِنْدَكَ سِلَاحٌ رَسُولِ اللَّهِ فَلَمَّا بَصُرَ بِي قَالَ يَا أَبَا خَالِدٍ أَ تُرِيدُ أَنْ أُرِيكَ سِلَاحَ رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْتُ وَ اللَّهِ يَا ابْنَ

رَسُولِ اللَّهِ مَا أَتَيْتُ إِلَّا لِأَسْأَلَكَ عَنْ ذَلِكَ وَ لَقَدْ أَخْبَرْتَنِي بِمَا فِي نَفْسِي قَالَ نَعَمْ فَدَعَا بِحَقِّ كَبِيرٍ وَ سَفَطَ... وَ

أَخْرَجَ إِلَيَّ سَيْفَهُ فَقَالَ هَذَا وَ اللَّهِ ذُو الْفَقَارِ. / مناقب ، ج ۴ ، ص ۱۳۶

همچنین ما روایاتی در منابع حدیثی داریم که ویژگیهای مکانی سلاح توصیف شده است؛

روایاتی مانند قرار گرفتن در دیوار یا قرار داشتن در صندوق و یا پوست که مجموع این روایات مؤید شیء بودن

سلاح می باشد به اختصار به بررسی چندتا روایت می پردازیم

روایتی در اصول کافی جلد 1 صفحه ۳۴۰

در این روایت جمله ای آمده با این مضمون (وَ كَانَ قَدْ شُقَّ لَهُ فِي الْجِدَارِ) این جمله صراحتاً نشان میدهد که

سلاح یک شی است که داخل شکاف دیوار پنهان شده است

و همچنین قرینه دیگری در این روایت آمده (فَكَشَطَهُ فَمَا مِنْهَا مِسْمَارٌ إِلَّا وَجَدَهُ مُصْرِفًا طَرَفَهُ عَنِ السَّيْفِ) که

نشان دهنده آن است که سلاح مورد نظر به صورت صد درصدی یک شی است که احتمال آسیب توسط خم شدن میخها وجود داشت!

متن روایت...: عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ: السَّلَاحُ مَوْضُوعٌ عِنْدَنَا مَدْفُوعٌ عَنْهُ لَوْ وَضِعَ عِنْدَ شَرٍّ خَلَقَ اللَّهُ كَانَ خَيْرَهُمْ

لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّهُ حَيْثُ بَنَى بِالثَّقَفِيَّةِ وَ كَانَ قَدْ شُقَّ لَهُ فِي الْجِدَارِ فَجَدَّ الْبَيْتَ فَلَمَّا كَانَتْ صَبِيحَةُ عُرْسِهِ

رَمَى بِبَصَرِهِ فَرَأَى حَذْوَهُ خَمْسَةَ عَشَرَ مِسْمَاراً فَفَزِعَ لِذَلِكَ وَ قَالَ لَهَا تَحَوَّلِي فَإِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَدْعُو مَوَالِيَّ فِي حَاجَةٍ

فَكَشَطَهُ فَمَا مِنْهَا مِسْمَارٌ إِلَّا وَجَدَهُ مُصْرِفًا طَرَفَهُ عَنِ السَّيْفِ وَ مَا وَصَلَ إِلَيْهِ مِنْهَا شَيْءٌ

روایتی دیگر در اصول کافی جلد 1 صفحه ۳۰۵

به وضوح با دقت در متن روایت و جمله (لو کان لکم فیه شیء کان فی الصندوق سلاح رسول الله صلی الله

علیه وآله) ما را به این نتیجه میرساند که سلاح شیء است که داخل صندوق گذاشته شده است

أبیجعفر علیه السلام قال: لما حضر علی بن الحسین علیه السلام الوفاة، قبل ذلك أخرج سبطاً أو صندوقاً

عنده، فقال: یا محمد احمل هذا الصندوق، قال: فحمل بین أربعة، فلما توفی جاء إخوته یدعون [ما] فی الصندوق

فقالوا: أعطنا نصیبنا فی الصندوق فقال: والله ما لکم فیه شیء و لو کان لکم فیه شیء ما دفعه إلی و کان فی

الصندوق سلاح رسول الله صلی الله علیه وآله؛

امام باقر علیه السلام فرمود: «پیش از آنکه وفات علی بن الحسین علیه السلام فرا رسد، سبد یا صندوقی را

که نزد او بود، بیرون آورد و فرمود: ای محمد! این صندوق را ببر.» پس آن را در میان چهار تن (که چهار

طرفش را گرفته بودند) بردند. چون آن حضرت وفات کرد، برادران امام باقر علیه السلام آمدند و ادعا کردند

از آنچه در میان صندوق بود، بهره ما را بده. فرمود: «به خدا که از بهره شما چیزی در آن نبود. اگر از بهره شما

چیزی در آن بود، پدرم آن را به من نمیداد. در آن صندوق، سلاح و کتب رسول خدا صلی الله علیه وآله بود»

همچنین در بصائر الدرجات صفحه ۱۷۴ روایتی داریم که امام صادق علیه السلام در این روایت ودایع و اماناتی

که از پیامبر به امامان بعدی به ارث میرسد. را به ترتیب نام برده و میبینید که در کنار مصحف حضرت فاطمه

و کتابها به صورت مجزا از سلاح پیامبر به عنوان یک شیء یاد کرده است

عنبة بن مصعب قال: كنا عند أبي عبد الله عليه السلام.. قلت: أصلحك الله و ما الجفر؟ قال: و هو والله مسك

ما عز و مسك ضآن ينطق أحدهما بصاحبه فيه سلاح رسول الله صلى الله عليه وآله و الكتب و مصحف فاطمة اما والله ما أزعم انه قرآن ؛

عنبسة بن مصعب گفت: خدمت امام صادق عليه السلام ... عرض کردم: خدا يارت باشد! جفر چیست؟ فرمود: «به خدا قسم، پوست بز و ميش است كه با صاحب خود سخن می گویند. در آن سلاح پیامبر و مصحف فاطمه سلام الله عليها و كتاب هاست؛ به خدا قسم در آن قرآن وجود ندارد.

برای اثبات شی بودن سلاح می توانیم به روایاتی كه ویژگیهای ظاهری سلاح مانند اینکه دسته آن چطور است و یا از چه جنسی است را هم بیان می كند تمسك كنیم.

روایتی در اصول کافی جلد 1 صفحه: ۳۳۹ آمده كه در این روایت امام رضا علیه السلام ویژگی ظاهری سلاح رسول الله كه همان شمشیر ذوالفقار است را شمشیری با نقره زینت داده شده در متن روایت معرفی شده

(كَانَتْ حَلِيَّتُهُ مِنْ فِضَّةٍ) است معرفی می کند

متن روایت: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي

عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ ذِي الْفَقَارِ سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ ص
مِنْ أَيْنَ هُوَ قَالَ هَبَطَ بِهِ جَبْرَائِيلُ

عَنِ السَّمَاءِ وَ كَانَتْ حَلِيَّتُهُ مِنْ فِضَّةٍ وَ هُوَ عِنْدِي

خب دوستان ما تا این جای امر به حسب قواعد باید از واژه سلاح ، همان
معنای مشهور عرفی را استفاده

کنیم و حمل این لفظ بر معنای دیگر، دلیل میخواهد که تا اینجا نه تنها چنین
دلیلی را پیدا نکردیم، بلکه با

قرائنی روبرو شدیم که مقصود از واژه سلاح در روایات، همان معنای عرفیش
است

البته شاید دوستان یک سری روایت دیده باشند که در آن روایت ها علم را
ملازم سلاح آورده شده به این

معنا که هر جا سلاح باشد علم هم همان جا هست

شاید برای دوستان این سوال ایجاد شود چرا وسیله ای مانند سلاح همراه با علم ذکر شده است و در روایت می فرماید هر جا که سلاح باشد علم نیز هست؟

برای جواب به این روایات میتونیم از کلام علامه مجلسی بهره بگیریم: ایشان بیان نموده اند که تنها کسانی می توانند سلاح را در اختیار داشته باشند که علم امام قبل را نیز در اختیار بگیرند. لذا امکان ندارد کسی علم نداشته باشد و از نظر علمی لیاقت امامت برای او اثبات نگردد و ادعا کند که سلاح در اختیار اوست

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنَّمَا مَثَلُ السِّلَاحِ فِينَا كَمَثَلِ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ أَيْنَمَا دَارَ التَّابُوتُ دَارَ الْمُلْكِ وَ أَيْنَمَا دَارَ السِّلَاحِ فِينَا دَارَ الْعِلْمِ. / مرآة

العقول فی شرح أخبار آل الرسول ؛ ج 3؛ ص 54

به عبارت دیگر کسی می تواند ادعای سلاح کند که علم داشته باشد و اگر
خداوند او در علم او وجود داشت
قطعا سلاح را در اختیار ندارد. و از این طریق اهل بیت علیهم السلام خواسته
اند تا اگر مدعی دروغینی ادعای
امامت نمود اما بهره ای از علم نبرده باشد و از طرف دیگر ادعای در اختیار
داشتن سلاح را نماید، رسوا شده
و دروغ بودن ادعایش آشکار گردد

جواب دیگری که به ذهن می آید این است که در روایات راههای مختلفی
برای انتقال علوم از حضرت محمد
صلی الله علیه وآله به ائمه دیگر بیان شده که از جمله آنان وجود مکتوبی در
دسته سلاح و شمشیر ایشان ذکر
شده است

به عنوان شاهد مثال در اصول کافی ج 1؛ ص 296 روایتی آمده که با دقت در
روایت این واقعیت برای ما
آشکار می شود که قسمتی از علوم اهل بیت علیهم السلام در دسته ی سلاح قرار
داشته و به همین دلیل سلاح

رسول الله صلى الله عليه وآله نه تنها به عنوان ابزاری جنگی محسوب میشده
که به صورت ارث به اوصیای بعد
پیامبر میرسید بلکه، در دسته ی آن علوم انتقالی از حضرت محمد صلى الله
عليه وآله نیز وجود داشته است

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
ع قَالَ: كَانَ فِي ذُؤَابَةِ سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ ص صَحِيفَةٌ صَغِيرَةٌ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع
أَيَّ شَيْءٍ كَانَ فِي تِلْكَ الصَّحِيفَةِ
قَالَ هِيَ الْأَحْرُفُ الَّتِي يَفْتَحُ كُلَّ حَرْفٍ أَلْفَ حَرْفٍ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
ع فَمَا خَرَجَ مِنْهَا حَرْفَانِ حَتَّى
السَّاعَةِ. / الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج 1؛ ص 296 / 7 ص 274، بصائر الدرجات
ج 1 ص 308

ابو بصیر گوید امام صادق علیه السلام فرمود: در گوشه دسته شمشیر پیغمبر
صلی الله علیه و آله دفترچه ای
بود، به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در آن دفترچه، چه نوشته بود؟
فرمود حروف بود که حرف آن

مفتاح هزار حرف بود، ابو بصیر گوید، امام صادق علیه السلام فرمود: تا اکنون
دو حرف از آنها خارج نشده است
(برای مردم ظاهر نگشته است).

البته این دسته از روایتها که سلاح و علم را ملازم همدیگر میدانند ملعبه
دست جریان های مدعی مهدویت
و فرقه های انحرافی مثل فرقه احمد بصری عراقی شده و در سیر توهمات و
ادعاهای کذبشون مدعی هستند
سلاح همان علم است و از آنجا که این فرد و افرادی از این قبیل خودشان را
دارای علم الهی میدانند، پس
مدعی هستند سلاح پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را هم در اختیار دارند
برای مثال به روایتی در اصول کافی جلد یک صفحه ۲۳۸ استناد می کنند و
اعلام می کنند طبق این روایت
سلاح همان علم می باشد در صورتی که اگه خوب به روایت دقت کنیم کلمه
مزایل آمده
مزایل: از ریشه « زیل»، به معنی « فارقه». و مترادف « مباین.» تاج العروس من
جواهر القاموس، ج ۱۴، ص ۳۲۲

فارق همان معنای جدا را میدهد.. همانطور که مابین معنای جدا میدهد..

زایل - مُزَايَلَةٌ [زایل] ه: از او جدا و دور شد. فرهنگ ابجدی... ص ۴۵۲

همان طور که قبلا اثبات کردیم چون سلاح شیء است پس در این روایت
وقتی راوی از امام پرسیدند آیا علم

و سلاح جدا از یکدیگر هستند؟ امام در جواب میگویند خیر معنا و مفهومش
این هست که راوی روایت در

اندیشه اش این بود که سلاح یا علم هر کدام به تنهایی میتوانند برای اثبات
امامت کافی باشند.

اما امام میفرمایند اینها هر کدامشان یک علامت هست و تمامی این علامات
باید در شخص جمع باشد و اگر

جمع شد این شخص امام می باشد

متن روایت: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي
الْحَسَنِ الرِّضَا قَالَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ ع

يَقُولُ إِنَّمَا مَثَلُ السَّلَاحِ فِينَا مَثَلُ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ حَيْثُمَا دَارَ التَّابُوتُ
أَوْتُوا النُّبُوَّةَ وَ حَيْثُمَا دَارَ السَّلَاحُ فِينَا

فَتَمَّ الْأَمْرُ قُلْتُ فَيَكُونُ السَّلَاحُ مُزَائِلًا لِلْعِلْمِ قَالَ لَا

با تشکر از وقتی که دوستان در اختیار بنده گذاشتند

یا علی